

تراژدی مرگ



زینب علیپور طهرانی
نیش

در قسمت قبل خواندید که تیلور سگ خانم مدنی با سروصدا و بیقراری هایی که می کرد، باعث شد تا بابا رحیم، سرایدار ساختمان در آپارتمان خانم و آقای رحمانی را با کلید یدک باز کند و متوجه بیهوشی آنها شوند. خانم همسایه با اورژانس تماس گرفت و امداد گران اورژانس متوجه شدند که خانم و آقای رحمانی فوت شده اند. به همین دلیل با پلیس تماس گرفتند. سرگرد علوی مأمور رسیدگی به پرونده مرگ خانواده رحمانی شد. همکاران سرگرد معاینات اولیه را انجام داده و متوجه شدند سم باعث مرگ هر دو نفر در ساعات پایانی شب شده است. برای بررسی بیشتر دلیل مرگ، سرگرد از همکارانش خواست اجساد را به پزشکی قانونی منتقل کنند. همزمان تنها دختر و داماد خانواده رحمانی، سراسیمه از راه رسیدند.

حال ادامه داستان...

رنا تنها دختر خانواده رحمانی همراه همسرش اشکان وارد ساختمان شده و با جسد خانم و آقای رحمانی روبه رو شدند که روی آنها پارچه سفیدی کشیده شده و به آمبولانس منتقل می شدند. رنا با دیدن این صحنه جیب زد و همان جا روی پله ها بیهوش شد. همسرش اشکان زیر بغل او را گرفت، به دیوار تکیه داد و لیوان آبی را که یکی از همسایه ها برایش آورده بود به صورت رنا پاشید. رنا به هوش آمد اما دوباره بیهوش شد. او حالش خوب نبود و اشکان که نگران همسرش و بچه داخل شکمش بود، او را به بیمارستان رساند و بستری کرد. به رنا سرم وصل کرده و آرامبخش تزریق کردند. اشکان نگران و ناراحت کنار تخت او نشسته بود. پرستاری وارد اتاق شد و سرم بیمار را کنترل کرد. اشکان پرسید: چرا بیهوشه؟ پرستار گفت: افت فشار داره. باید استراحت کنه. نگران نباشید. اشکان گفت: همسرم بارداره. حال بچه چطوره؟ پرستار گفت: حال هردوشون خوبه.

همزمان با انتقال رنا به بیمارستان و اجساد به پزشکی قانونی، سرگرد علوی و دستیارش برای تحقیقات به بیمارستانی آمدند که رنا در آن بستری بود. سرگرد درز و وارداتاق شد. اشکان از روی صندلی بلند شد و بعد از این که سرگرد خودش را معرفی کرد، با هم دست دادند. سرگرد روی صندلی نشست و از اشکان هم خواست مقابلش بنشیند. سرگرد گفت: حال همسرتون چطوره؟ اشکان گفت: افت فشار داشته. بهش دارو دادن. هنوز که به هوش نیامده. سرگرد گفت: همسرتون خواهر و برادر دیگه ای نداره؟ اشکان گفت: نه. رنا تنها فرزند آقای رحمانیه. سرگرد پرسید: آخرین باری که خانواده همسرتون رو دیدین، کی بود؟ اشکان گفت: ما معمولاً جمعه ها یک هفته میریم خونه خانواده همسر و یک هفته خانواده خودم. آخرین بار هم جمعه گذشته بود. سرگرد گفت: یعنی در روز پیش؟ اشکان گفت: بله جمعه این هفته نوبت اون ها بود. سرگرد گفت: جمعه که منزل شان رفتین، با چیز

مشکوکي روبه رو نشدین؟ مثلاً بیماری یا نگرانی. هر چیزی که مشکوک باشه. اشکان گفت: نه فکر نکنم. همه چیز مثل همیشه بود. مادر خانمم قرمه سبزی درست کرده بود. آخه می دونست من خیلی قرمه سبزی دوست دارم. تا آخر شب هم اونجا بودیم و بعدش اومدیم خونه. سرگرد گفت: شما بچه ندارین؟ اشکان گفت: خانومم بارداره. سه ماهشه. سرگرد پرسید: رابطه تون با خانواده همسرتون چطوره؟ اشکان گفت: خیلی خوب. گفتم که مادر خانمم غذاهایی که من دوست دارم، درست می کرد. می دونید چون پسر نداشتند، من رو خیلی دوست داشتند. من هم خب خیلی بهشون احترام می داشتم. سرگرد گفت: راستی شغل شما چیه؟ اشکان گفت: کارم آزاده. بوتیک لباس مجلسی توی یکی از پاساژهای ونک دارم. سرگرد گفت: اوضاع کار چطوره؟ اشکان گفت: خوبه. می گذره. در این میان رنا ناله کرد و آرام پلک هایش را باز کرد. اشکان دست رنا را گرفت و گفت: عزیزم بهتری؟ رنا به سختی پلک هایش را باز کرد و به اطراف نگاهی انداخت و گفت: اشکان بچه ام؛ بچه ام خوبه؟ اشکان صورت همسرش را نوازش کرد و گفت: نگران نباش عزیزم. حال بچمون خوبه. تو مراقب خودت باش. سرگرد گفت: ببخشید خانم رحمانی، می دونم زمان خوبی نیست اما من سرگرد علوی، مسئول رسیدگی به پرونده پدر و مادرتون هستم. باید چند تا سؤال

داستان

نیش

ویژه نامه حوادث | روزنامه جام جم | ۷
چهارشنبه ۲۹ آذر ۱۴۰۲ | شماره ۱۰۴۴

ارتون پیرسم.

رنا صحنه ای را که دیده بود به خاطر آورد و گریست. اشکان هم سعی می کرد او را آرام کند. اشکان رو به سرگرد کرد و گفت: ببخشین سرگرد اما حال رنا خوب نیست. باید مراقب خودش و بچه باشه. می شه بعد باهاش صحبت کنین؟ سرگرد از روی صندلی بلند شد و گفت: بسیار خب. من بعد میام. مراقب همسرتون باشین. رنا پادستی که سرم داشت، روی صورتش را گرفته بود و گریه می کرد و اشکان تلاش می کرد او را آرام کند. اشکان زنگ بالای تخت را به صدا درآورد، پرستار وارد اتاق شد و سعی کرد رنا را آرام کند. سرگرد از اتاق خارج شد و به ایستگاه پرستاری رفت تا با سرپرستار یا دکتر درباره رنا صحبت کند و بداند چه موقع حال رنا برای بازجویی بهتر است. دکتر در ایستگاه پرستاری بود و نکاتی را درباره بیماران به سرپرستار متذکر می شد. سرگرد حال رنا را از دکتر پرسید و دکتر هم به او گفت تا فردا حالش بهتر می شود. سرگرد و همکارش به اداره برگشتند. سرگرد با دوستش دکتر مظفری در پزشکی قانونی تماس گرفت و پیگیر پرونده شد. سرگرد گفت: چطوری پیرمرد؟ دکتر مظفری خندید و گفت: خوبم جوون. باز کارت به من افتاد؟ سرگرد گفت: یه پرونده قتل با سم. یه پیرزن و یه پیرمرد. گفتن قرار تو معاینه کنی. مظفری گفت: آره چند دقیقه است کارم را شروع کردم. اجازه بده اجساد رو بررسی کنیم، بهت خبر می دم. سرگرد گفت: تایکی دوساعت دیگه گزارشش رومی دی؟ مظفری گفت: آگه زیر قولت نمی زنی و شیرینی پرونده قبلی رومی دی آره.

ادامه دارد...

سند کمپانی و برگ سبز و کلیه مدارک سواری هاچ بک سایپا 111SE مدل ۱۳۹۴ رنگ نوک سمدادی متالیک شماره موتور 5273731 شماره شاسی NAS431100E5809815 به شماره پلاک ۲۷۴ ج ۳۹ ایران ۴۶ به نام زهرا مهدی پورلج گوارابی مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.

سند و فاکتور فروش خودرو MVM X33S به شماره شاسی NATGBAYL9G1008557 شماره موتور MVM484FBDG1008557 مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

برگ سبز خودرو سواری سایپا - هاچ بک رنگ سفید مدل ۱۴۰۱ به شماره پلاک ایران ۴۰-۴۸۶ ط ۹۸ و شماره موتور M15/9503610 و شماره شاسی NAS841100N3397729 به نام سمیه روحانی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

سند کمپانی و برگ سبز SHAHIN مدل ۱۴۰۱ به شماره موتور M15TC/2038094 شماره شاسی NAS111100N1040813 شماره انتظامی ۹۱ - ۸۱۴ ج ۵۹ به نام امیر مهدی عصری آقبلاغی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

شناسنامه مالکیت، کارت موتور و سند کمپانی موتورسیکلت پاداران، مدل ۱۳۹۰، رنگ آبی متعلق به آقای صالح امیری تازه آباد به شماره شهرداری ۲۸۹۳۹-۵۸۲ شماره موتور P52FMI*92900829 مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

اینجانب مهشید آقایی فرزند برزو به شماره شناسنامه ۳۱۸۴ با کد ملی ۰۵۱۰۱۰۴۲۵۵۰ صادره از کرمانشاه به نشانی: تعاون، ایستگاه ۲، کوی ۳۱۱، پلاک ۱۰ و شماره موبایل ۰۹۱۸۸۵۸۲۲۹۴ مالک خودرو MVM مدل ۱۳۹۴ به شماره شاسی BAYL8F1004756 و شماره موتور MVM484FBD004930 و شماره راهنمایی رانندگی (پلاک) ۱۹ / ایران ۵۷۶ ق ۵۴ بدینوسیله اعلام می نمایم سند و فاکتور فروش (سند کمپانی) خودروی فوق الذکر مفقود گشته و به موجب امضاء ذیل متعهد و ملزم می شوم که در صورت کشف هر گونه فساد احتمالی و ادعای شخص یا اشخاص حقیقی و حقوقی و همچنین سوء استفاده احتمالی در برابر مراجع ذیصلاح قانونی پاسخگو بوده و کلیه موارد را به عهده بگیرم.

آگهی مزایده

ملک مشاع به مساحت ۱۲۶۰ متر دیوار کشی شده دارای برق ۳ فاز واقع در اصفهان، بزرگراه شهید آقا بابایی پل تمدن به قیمت کارشناسی رسمی دادگستری ۵۵ میلیارد تومان به فروش می رسد.

تاریخ مزایده: ۱۴۰۲/۱۰/۲۸

مکان: اصفهان، خیابان میر، مجتمع قضایی شهید سلیمانی، طبقه همکف شعبه ۱۷ اجرای احکام

شماره هماهنگی و اطلاعات بیشتر:

۰۹۱۳۴۶۲۵۰۵۲

جام جم

سازمان آگهی ها
۴۹۱۰۵۰۰۰

daneshpayam.agahi@gmail.com